

و در وطن مآلوف منواری میبود وقتی سلطان در سفر هندی نامه بملک
دهلی مینوشت روی بنواجر احمد بن حسرت میبندی کرد که اگر بخواهند نه
بر وفق مراد ما آید ند بپر چیست خواجه از بدین از شاهان خواند

اگر جز بکام من آید جواب من و گزوم بدان افراسیاب

سلطان از قتی پیدا شد و گفت در حق فردوسی جفا و کم عنایتی کردم تا

احوال او چیست خواجه محل و تقریب یافت بعرض رسانید که فردوسی پر

و عاجز و مستمند شده و در طوس منواری بوده سلطان از غایت عتقا

و شفقت فرمود ناد و از ده شتر و اینل پار کرده جهت انعام فردوسی بطوس

فرستاد و سپیدن شتران و نیل بدر و ازه رود بار طوس همان بود و بیرون

رفتند از فردوسی بدر و ازه رزان همان بعد از آن جهات تسلیم خواهر

کردند قبول نکرد و از غایت زهد گفت مرا به مال سلاطین احتیاج نیست

و وفات فردوسی در شهر سنه احدی و عشر و او بجانم بود و قبر او در

شهر طوس است بجنب مزار عباس و الیوم مرفد شرفش منعتر است و

نقار و ابدان مرفد النجاست چنین گویند که شیخ ابوالقاسم کرکاتی و حجة الله

علیه بر فردوسی نماز نکرد که او مدح بخوس گفته از شب در خواب دید که

فردوسی را در بهشت عدن درجات عالی است از او سؤال کرد که اینند

بچه یافتی گفت بدان یک بیت که در توحید گفتم

توحید

ندانم چقدر هر چه هستی نو

انتهی

جهانرا بلندی و پستی نوشت

حکایت طویله‌الرحمه

دولت‌شاه قندی میگوید از جمله منفذ مار شعر است طبع مستقیم دانه
 و فردوسی شاکرداوست و در روزگار و سلطان محمود اسناد فرقه شعر خراسان
 اسدی بوده است و او را بکرات تکلیف نظم شاهنامه کرده اند اسنعفا
 خواسته و پیری و ضعف را بهانه ساخته حالاد پوان او منعارف نیست
 اما در مجموعها سخن او منظور است و مناظرها را بعبایت نیکو گفته و از طرز
 کلام او معلوم میشود که مردی فاضل بوده و فردوسی را بنظم شاهنامه در
 اشارت میکرده که اینکار بدست تو درست خواهد شد

حکایت کنند که چون فردوسی از غزنین فرار کرده بطوس آمد و از طوس به
 سمنان رفت و بعد از مدتی که از سمنان و طالقان مراجعت کرده بطن
 مالوف آمد در آن حین چون وفاتش نزدیک رسید اسدی را طلب کرد
 و گفت ای اسناد وقت رحیل در رسید و از نظم شاهنامه فلبلی مانده است
 میترسم که چون من رحلت کنم کسی را قوت از نباشد که باقی را بقصد نظم و او
 استاد گفت ای فرزندان غمگین مباش اگر حیات باشد بعد از تو من اینشغال با شما
 رسانم فردوسی گفت ای اسناد تو پیری مشکل که بدست تو برآید و کفایت
 شود اسدی گفت انشاء الله شود و از پیش فردوسی بیرون شد و از شب و آنروز
 تا نماز دیگر چهار هزار بیت باقی نظم شاهنامه بگفت و هنوز فردوسی در
 حال حیات بود که سواد از ابیات مطالعه کرده و بر زهر مستقیم است تا فرین
 گفت و آن نظم از اول اسنبلای عربیت بر عجم در آخر شاهنامه و آمدن غیره

بن شعبه نزد بزدجرد شهریار و حرب سعد بن و قاص بملاک عجم و ختم کتاب
شاهنامه و فضلا برانند که اینجا که نظم فردوسی آفریده و بنظم اسد رسیده
ظاهر این است معلوم میتوان کرد آنچه

شیخ محمد بن ابی طوسی رحمته الله علیه

از مشاهیر رجال منسوبین بطوس است غالباً در ذیل ترجمه طوس از او نام
میرند و از شرح احوال او عجله الوقت مختصری در فصل چهارم از باب پنجم از
تاریخ گزیده بتالیف خواجہ حمد الله مستوفی در طنی ذکر اسامی مشایخ و غیر هم
یافت شد میگوید محمد بن اسلم طوسی در اصل عرب بود اما چون در طوس
منوثر شد بطوسی مشهور گشت معاصر علی بن موسی الرضا علیه السلام
بود حاکم خراسان او را در سال مجوس کرد تا فراترا مخلوق خوانند نحوه
و این عبارت اشارتست بمسئله حدوث و قدم کلام الله که در فرشت شریف کلام
معنون و مبر هر که کرد بده و ذهب الکلی طریق فریق و ظهور این مقاله از
اواخر خلافت هارون الرشید شد و در عهد عبدالله مأمون که غالباً
بر مذہب عدلیت میرفت فوت گرفت و کار علما اهل سنت سخت سخت
شد و برای ایشان انحنای عامه روی داد که در کتب سپرد و فاسد خبر
مسطور است و تا زمان متوکل علی الله بشدت تمام مبتلا بودند وی بنفق
اشاعرہ برخواست و ایش بلوای سنیان فرو نشست و این بنده و فایع ماجریک
این مقام در کتابی که باشارت علیته ملکانه در تراجم فقہا اربعه و رؤس نک
مذہب نفس ساخته است بشرحها پرداخته و بتقریب عنوان هم بر مسئله

بمژای معله احضار شد و بشرف مشافهه و محاورت نایل گشت و مورچند
 محسن امداکرد و اینچنانی چیزها پراگش نماید از نامساعدی مقام لامحاله بلا اشباع
 خواهد ماند و محل بر فصوص و باع خواهد شد پیر به تر همان نصیحت خبر کامل
 عالم عامل فقیه فاضل همام باذل ابن نجف کل فضیله و اخوکل مکرمت جلیله و ابوکل
 جد مسعود امین الاسلام الحاج میرزا محمود لا زال منوعاً الا و نه فخر و بیج العلم
 بین الفضا و نه شنود زاست و در طی تراجم رجال از تحقیق مسائل علیته خاموش
 بودن

مَشْوُوقٌ عَلَیْهِ الرَّحْمَةُ

خواجه محمد الله نام او را در عداد جماعتی از عرفا که فقط اسم ایشان معلوم گردید
 و رسمی و اثری و خبری بدست نیامده است درج نموده و ماحالات او را از صفحات
 الاثنس و هفت اقلیم بدست آوردیم مولانا نورالدین عبدالرحمن الجامی میگوید نام
 وی محمد است از عفاً بجانبین بوده و سخت بزرگوار و صاحب حالتی بکمال در
 شهر طوس میبوده و قبری بجانب است در آنوقت که شیخ ابوسعید ابوالخیر از مهنه
 غزمت نیشابور کرده بود بپکی از دیههائی که در نواحی طوس بود رسید ^{نیشابور}
 گفت بشهر طوس باید رفت بنزدیک خواجه محمد معشوق که با وی گفت که دستور
 که بشهر ولایت نود و اتم چون آن درویش برفت شیخ بفرمود تا اسب زین کرد
 و بر اثر وی سوار شدند و هر صوفیان در خدمت شیخ چون بیک فرسنگی شهر
 رسید بموضع که از اینجا شهر را بتوان دید اسب شیخ بایستاد چون آن درویش
 پیش معشوق رسید و پیغام شیخ بگذاشت معشوق نیتیم کرد و گفت برو بگو

نادر آمد چون این سخن از اینجا معشوق بگفت شیخ از اینجا اسب برافند و راه آن درویش
 بشیخ رسید و سخن معشوق باز گفت شیخ از راه پیش معشوق آمد و وی شیخ را
 استقبال کرد و در بر گرفت و گفت فارغ باش که این نوبت که اینجا زنت درویش
 چند را بردرگاه تو خواهند آورد عن الفاضات همدانی در بعضی از رسائل
 خود نوشته است که محمد معشوق نماز نکردی از خواججه محمد جوین و از خواججه امام
 احمد غزالی شنویم که روز قیامت صد بیاض از همه اینها باشد که کاشکی خاک
 بودندی که روزی محمد معشوق قدم بر آن خاک نهاده بودی این محمد ثری که
 بود قبایلند یک روز در مسجد جامع طوس آمد شیخ ابوسعید ابوالخیر رضی الله
 عنه مجلس میداشت این محمد بندی بر فیازد و شیخ ابوسعید را خاموش کرد
 و زبانش بلیست چون ساعتی بر آمد شیخ ابوسعید گفت که ای سلطان عصر و ام
 سر و وجود بند فبا و اگشای که بند بر هفت آسمان و زمهر نهادی امین
 احمد رازی نیز در حالات محمد معشوق طوسی بهمین و غیره سخن کرده است
 این بود شرح احوال رجال عشره مشهوره طوس از اصول شتی که هر یک
 بنفاد و تقوی اخباری بلا ترتیب و تلفیق و اشمال داشتند فراهم آمده بطریقی لایق
 و اسلوبی فایق نگارش یافت و بجز ایشان که در مختصر طوس منسوبند اگر اخبار
 و حالات هم فراهم آمدی که کتاب از موضوع خویش بیرون رفتی از اینجا است
 شیخ ابوالعباس احمد سرف طوسی و شیخ عبداللہ بن محمد غزالی و شیخ ابوالعباس
 هرون الطوسی و طاوس الفخر ابونصر سراج طوسی و عبداللہ بن علی طوسی
 و محمد بن عباس طوسی و عطار طوسی و شیخ ابوبکر بن عبداللہ النساج و شیخ

ابوعلی فارمدی چه فارمدان نواب طوس است و محمد بن منصور طوسی و ابابا
 محمود طوسی و شیخ نصیر الدین ابوطالب عبد الله بن حمزه الطوسی و شیخ نصیر
 الدین علی بن حمزه بن الحسن الطوسی و شهاب الاسلام وزیر الی غیره
 من جمیع کثیر و جیم غفر

نکارنده گوید چون از شهر طوس خارج شدند و غریبیت شهر مشهد مفید بنویسند
 باید سه فرسخ و نیم راه طی نمایند تا باین شهر شریف رسند در حوالی شهر طوس
 و جنبین راه الی مشهد فزار و مزارع کثیره از دور و نزدیک دیده میشود از
 فزار مذکور در این فزار آبادانیها نیز دلمک یافت میشود و این لفظ را اگر چه ما
 بنا بر عقیده اگر در جوشان و بوزنجرد ترکی فرض کرده بودیم اما پس از تصحیح
 و استفسار معلوم شد که فارسی است چنانکه در برهان فاطع گوید (دلمک بفتح دال
 و ثانی و ثالث و سکون کاف دلمه را گویند که پنبه نر باشد و بختم اول و سکون
 ثانی جانور است شبیه بعنکوت گویند زهر او آدمی را ممالک کند و بجز بیه
 و بیلا خوانند) در منتهی الارب میگوید (و بیلا بالمد و الفصر جانور است
 زهر دار بقارسی از اوله میگویند و این چند نوع است مشهور شرانست که
 مثل مکر اطراف چراغ میدود و نوعی از آن سپاه است و سردست و پا
 او سفید و نوعی زرد نیره و رنگت) در طب یوسفی مینویسد (نپس و بیلا
 یعنی کزیدن دلمه که مشابه مکر است که کزود شمع و چراغ میگردد) و
 در هیرکتاب در موقع معالجه کسی که دلمک او را کزیده باشد

ابن رباعی و امینکارد

انرا که گزد و له از بهر بھی باید که سفوف گرم شونیز ده

انگاه باب گرم اشخار و نمک مرهم کئی موضع نپیش بنه

بلجام چون تقدیر بیا نپسرخ از شهر طوس بطرف مشهد مقدس آیند
بچرقه قهقهه رسند و قرا و مزاجی که فیما بین شهر طوس و چرقه قهقهه
در طرفین راه در نزدیکی دیدک میشود دست چپ منزه مراد کشان و بالا
از آن دست راست فتح آباد نیز در همین طرف بخین و در دست چپ
عاشق از اسامی چرقه قهقهه مرغزار است بدیع و چینی بالتشبهه و سبع بلخضر
و نضرت و قابل توقف و اقامت مواکب معظمه وارد و های معبره چنانکه
در سال هزار و دویست و هشتاد و چهار که موکب منصور اعلی حضرت
شاهنشاهی ناصرالدین شاه خدا الله ملکه و سلطان از مشهد مقدس
غیرت معاودت بدو و الخلفه ناصری فرمود منزل اول اردوی همایون چمن
قهقهه بود و در سفر سنه ماضیه که سال هزار و سیصد هجری باشد چون
موکب اقدس اعلی (اعلی حضرت ناصرالدین شاه ملکه) از راه بوزنجرد و
خوشان با عرض اقدس و زیارت مشهد مقدس عزم شاهان جزم فرمودند
روز سه شنبه دهم شوال چرقه قهقهه و امضرب خجام بالاحتشام شهر پارچه
فرار داده روز چهارشنبه یازدهم شانزدهم شهر مشهد مقدس بود و
مسعود منزین و ذات ملکو و صفات خسرویی بثلثیم ان خاک پاک که ملکوتی بنا
بر ثبت و سنا و رفعت و ضیاء بر نوازا انجم و افلاک است قابل گردیدند

در حوالی چمن قهقهه فریب است موسوم بفرشته قهقهه و قلعه خرابه نیز در طرف
 شرق چیز است که طول از شش صد ذرع و عرض پانصد و هشتاد و پنج ذرع
 میباشد این قلعه را چهار دروازه میباشد که عرض مدخل دروازه پانزده
 ذرع است و از سخن دیوار قلعه شش ذرع باقی ماند خشت‌های باجسامت
 در بنای دیوار قلعه بکار رفت چنانکه شش هفت ساندنمتر عرض
 و طول خشت چهل ساندنمتر است و از این دروازه کلفتی فطر دیوار معین
 میشود که در بنای دیوار قلعه عمده نقطه مقصود است و استحكام آن
 بوده است پس حکما مسبو فیروزانگلیسی که پیش ذکر شد و تصور است
 سایر برج که اینجا را محل باغ فرض نموده اند غیر صائب است چه بنای محکم و
 باغ و ابهم شباهتی نیست و کسی دیوار باغ را بنا نوضع نمیشد پس از در و حال
 خارج نیست با این محوطه معسکری بوده است قلعه دار که زبان فرانسوی
 کان و ترانیه میگویند و اردوی معظمی از خراسان غالباً در این قلعه اقامت
 داشته است پاشهری بوده است قبل از بنای شهر طوس و پس از خراب شدن
 از شهر طوس آباد شده و از باب وفوف و خبرت که بنظر وقت در این ناحیه
 بنشد دانند که در هر عصری اینجا را ای مصری جامع بوده است و بنا بر
 مجاورت ترکستان و طوایف جنگ شهری که در این نواحی و نقاسا خن
 میشد کبری از قلعه مستحکم و لوازم و شرایط مدافعه نداشته است و اگر بگویند
 داخله قلعه برای یک شهر کوچکست گوئیم در بیرون قلعه نیز محلات بوده و در
 مواضع ضرورت و سختی اهالی بیرون احوال و اطفال و نسوان و اطفال خود را بدین

لنظر
 طایفه ازین در
 طوایف ترکستان که
 معلوم نیست در
 زمان اوجاری خراب
 دامنه کوه پامیر حرکت
 کرده و بچین رسیده اند
 در وقت شدت فتنه
 بطرف پنجاب و از آنجا
 هند و بنگال فرستادند
 چنانکه در نیکان سکه
 قدیمه یکی در بنا
 معلوم نموده و خود
 اجناس کوچکی در آنجا
 هم ساکنین قدیم هستند
 بمؤید زمان تلف کرده
 اما کن و پوسه های آنجا
 متصرف شدند و در
 حالت هند را شکل
 دادند تحت در بکار
 طایفه ازین در
 عیون کرده بطرف ایران
 زمین آمدند و از ل
 شهر که آنها بنا نمودند
 شهر زبان بود که با اسم
 خود موسوم کردند
 و در وقت ایران را
 و بعد هر چند که
 معروف است آنچه
 مورخین نقل میکنند
 خلف و هند است
 طایفه اذت قبیله
 و سبب بنای قدیم
 شهر این نیز نیست
 مثل بنای حال قلعه
 قهقهه بوده است
 یعنی خند فراید و ا
 حفر نموده و خاندن
 بطرف داخل خند تعبیه
 کرده اند و بالای خند
 حصا شهر را استوار
 نموده اند اگر چه معروف
 است که قهقهه
 شهر است

قلعه برده خود بدفع دشمن مصمم میشد اندو علی کمال از چمر قهقهه

ناشهر مشهد مقدس سه فرسخ است و در طرفین مزارع و فراق تقریباً وصل

بیکدیگر و از جمله اماکن مشهوره که در طرف دست چپ راه است مزارع خواج

ربیع میباشد که در ضمن نگارش مشهد مقدس شرح از نیاید و پس از خط

مسافت مزبور هزار و قاصدین این ارض فیض اثار از دروازه بالاخباران

وارد شهر مشهد مقدس شوند و اول وقت یک چشمه آب فروغ و لغاوش شعیر

کنبد مطهر حضرت رضا علیه الاف التحیزه و الثنا منور میگرد و ونخستین

از زوومراد خداوندان دانش و پیش حاصل میشود باز تقریباً از پاره از یک فرسخ

راه بدر و از همدان کوره مانده است چنانکه در صبح چهارشنبه پانزدهم شهر

شوال سنه هزار و سیصد و هفتاد و پنج در وقت طلوع آفتاب نگارنده با این فیض عظیم

و مرتب کم فایز و مستعد گشت خاک بیوسپید و حال بگردید برای تحصیل

کیبای سعادت فرع دل بجوش آمد و این بق دید شروع بنقش نمود چون

عبادت شوق با گرمی و ذوق بروجنات دوید و دل از بدین جمال مقصود

در این بنده شهود بطیپید از هائف غییم این نداد در رسید

هدی الاقول البین قد ارجلک

فا سجد من ذلک الا وعین خدایک

فی الطوبی سین فاعضی صرف

بارگاشاهانت این

روضه مقدس و سرای سرحق

پای کوب اینجا که دست کار

کوی جانان بنک جانست این

دست حق اینجا بگرداند و

اهل سرد پرده اسرار و رفت

و در باره خست
و اسکندریه نامید
امانظن قالب آنکه
بجهت طغیان اهل
حصان ایل خاندان
بواسطه تخنق اورد
محمود که اوقت داشته
و طبع مناسبت اورد
و بران کرده چون
اهل مطیع شدند
باز از امرش نمودند
از بنامش هم خست
و احوال طایفه اورد
و بر این بوده که هر جا
شهر بنا میکردند
مربع شکل می ساختند
چنانکه قلعه ابرج که
در حوالی ورامین است
در کباب و اندک بید
که از کادری در پیشها
از او انای مربع نوشته
مبن حالت بر داشته
و کت طوایف بدو
قدم در هر قطعه از
اقتدار عالم بطلعت
میگذاشتند فقط
مقصودشان این بود
که هنگام حمله دشمن
سبب جاد و هلاک خود را
کرد رخسار حصانیر
بداخل از بند و مال
هال خود برادرانها
گذارد و خون بریزد
مقابل دشمن اینست
و دفاع نمائند و خاک
در دستهای خود
و شال یا صلب جنگها
دست خود را که
برای بادی میزنند
حصارها نظیر قلعه
قهقهه و ابرج نمودند
میشود بنابر این
گفت قلعه قهقهه
خیله قدم و از این
طایفه اورد براس
ایران و استخوان
و استخوانها

ملکت
داود

مستوزار الطاهر
از مباح الارسال کتبی و غیره
که در این باب که در احوال و قریب
که در این باب که در احوال و قریب
که در این باب که در احوال و قریب
که در این باب که در احوال و قریب
که در این باب که در احوال و قریب
که در این باب که در احوال و قریب
که در این باب که در احوال و قریب

ملحق

خلاصه وقایع و سوانح مهمه که در کتاب التوسل
که در کتاب التوسل و سوانح
که در کتاب التوسل و سوانح
که در کتاب التوسل و سوانح
که در کتاب التوسل و سوانح

توسل و سوانح مهمه

قوی و یکتا

اومرین ۱۸۸۳

المات

فوت فردریک فراننوی دو نیم والی ایالت مکلنبورگ
(اطریش) صدراعظم ایندولت بوکلای ملت بخارستان اتحاد دول
ثلاثة اطریش و المان و ایطالیا و اظهار میکند (دامبارک) بی اعتمادی
نسبت بوزرا (انگلیس) جزیره نوون کپنجز و منصرفات انگلیس
میشود پارلمنت انگلیس بر امپراتور و ژنرال و لیلی که در مصر خدمت
کرده بودند و وظیفه میدهد (نروژ) و فرای دولت متهم بخیان
نسبت بملت هستند (عثمانی) والی بلغارستان با سلامبولامده
بالحرمانت زیاد پذیرفته میشود

۱۸۸۳

پنکرتیا جنو

انفاد عهد مودت مابین شیل و پرو
(المان) پادشاه و ملکه ساکس برلین میبایند سفر ما داکا سکرنتیا
وارد میشود (اطریش) و المنتیکز و بیای تخت ایندولت میاید
(اسپانیا) پادشاه و ملکه پروغال با اسپانیا میبایند اتحاد مابین
پروغال و اسپانیا در کمال خوبی و استحکام است (فرانسه) بعضی از
وکلاهی بر ملت اتحاد دول ثلاثة المان و اطریش و ایطالیا و انظر خوش
نمیکرند و حال دولت از وکلای ملت اعتبار استنراض نخواهی بجهت
فرستادن فئون بر تنکن چپ طلب میبایند سفایر جنک فرانسه بریناد
مادا کاسکر گولر و نوری میبایند دو تنک شکست سختی بفئون فرانسه

داده و جمعیت زیادی از آنها تلف می‌گردد و پوپ نیز نام سردار فوشون فرانس را
 کشته شده و دولت فرانسه بجهت لشکر بیک عساکر خود میفرستد
 (افلا ز بغداد) افتتاح مجلس پارلمانت پربملاکت باخطبه که از طرف
 پادشاه فرانت میشود (روس) در اول خردادماه امپراطور روس و
 خانواده سلطنت بائجل وشکوه زیادی وارد مسکو شده و روز بیست و
 هفتم ماه مه مطابق یکشنبه بیستم ^{۱۳۰۰}تاج سلطنت کل ممالک روس را
 بر سر می‌گذارند (عثمانی) فوت امیر عبدالقادر الجزایری در

دمشق

شرفین ۱۸۸۳

مینکرنیا شاه

دو شط بزوک میسوری و مینسپی طغیان
 کرده و خرابی زیاد بساحل ایندوشط وارد می‌آید (المان) مسافرت
 امپراطور لبتهرافس برای استخام در آب معدنی (اطریش) مسافرت
 امپراطور لبتهراشیل برای استخام در آب معدنی (انگلپس) کلبسون
 فرانسوی میخواهد نقبه (نونین) زبرد پای مانتر بآزد و خاک
 انگلپس و فرانس بر واسطه این نقبه و راه آهن بهم وصل کند اما دولت
 انگلپس از وحشت مخاطرات این قبول این مسئله نمی‌آید (ابطالیا)
 ملت مصر بر پا کرد و مجسمه برای گاری بالدی سردار معروف میباشند
 (عثمانی) بروز و بای سخن در مصر

شرفین ۱۸۸۳

فرانسلا فوجات فثون فرانسه در شنگن (انام از ما چین)
فوت نود و یک پادشاه این مملکت

اوس ۱۸۱۳

فرانسلا فوت کنت د شامبر از شاهزادگان خانواده سلطنت
فرانسه که اگر اهالی فرانسه وضع سلطنت اختیار می نمودند او در سلطنت
ذبح بود و شاهزاده مشاور و الپ در خاک اطریش وفات نمود متصرف شد
عساکر فرانسه قلعه هوراد و انام و انعقاد عهد مصالحه مابین فرانسه و
پادشاه انام موسوم به همپ هوا (اسپانول) شورش نظامی در بادارز
(اطریش) ملاقات امپراطور المان و اطریش در شهر ایشیل بروز فتنه
و شورش در اگرام

سپتامبر ۱۸۱۳

فرانسلا عساکر فرانسه در شنگن اغلب استحکامات سواحل رود
سرخ و متصرف میباشند و رود پادشاه اسپانیا پاریس و بدین پرفتنه
شدن او در بنشهر و مورد تمیز و بی احترامی شدن بجهت اینکه امپراطور
المان محض شرافت پادشاه اسپانول و اسرهنگ یکی از افواج خود
نامیده بود

اکتبر ۱۸۱۳

نرویش استنطاق و رعیت و زوای دولت و اگر بخیانت متهم بودند
(فرانسه) منصوب شدن ژنرال کامپتن بوزارت جنگ افتتاح مجلس پارلمان

(اسپانول) استعفای وزرا و برقراری دست دیگر وزرا بصدد
پژادا

نوامبر ۱۸۸۳

مصر ژنرال هیکس پاشا صاحب منصب انگلیس که در خدمت
مصر بود در حوالی العین بدقشون محمد احمد میهدی بر خورده خود با دوازده
هزار نفر قشون که همراه داشت مقبول شدند (سرینتا) شور شاهان
دورانبشار (فرانس) فتوحات عساکر فرانسه در تنکن ناپل شدن ژول
فری بوزارنا مورخا جبر (اسپانیا) ورود و لیعهد دولت المان شهر
مادرید

دسامبر ۱۸۸۳

فرانسه دولت فرانسه معادل دو کرو نو مان پول ایران برای
مخارج تنکر طلب می نماید امپراتور بفرستای از قلاع محکم تنکن واقع
و مخفی میکنند

ژانویه ۱۸۸۴

فرانسه دولت فرانسه قشون زیاد در بطرف تنکن میفرستد و
باین واسطه مابین چین و فرانسه برودت و کدورت بروز میکند و جنگ
بین طرفین فریب بظهور است (روس) و تپس داو و پلپس را
بپلپس نهاد و بطرف بوغ مقبول میسازند (مصر) نو بر پاشا بصدد
مملکت منصوب میشود (اسپانیا) وزرای دولت بواسطه مخالفت

با وکلای ملت استعفا میکنند گانوانش دل گاشنیل صد و اعظم میشود
 (انگلیس) گردن پاشا از انگلیس بیعت سودان مأمور شد و حامل
 صد هزار لیره وجه نقد است که اعراب را بیون تطبیع نماید و بفرسید (عشایه)
 فوت مادر سلطان عبدالعزیز خان مرحوم

فوریه ۱۸۸۴

انگلیس افتتاح مجلس پارلیمنت بواسطه پادشاه انگلستان و
 امپراطور هند و سنان (مصر) و نزال بگرد حوالی توکار شکست
 سخنی از فشنون متهدی میخورد و ششصد نفر فشنون مصری که انجام بودند
 مقنول میشوند گردن پاشا وارد بر بر میگرد و هم در اینها وکلای ملت
 بورای دولت در عمل مصر نسبت شوند بپر میدهند فشنون انگلیس فشر
 سواکن و نوکار حرکت میکنند و نزال گردن وارد خرطوم میشود و محمد احمد
 متهدی و ابسلطنت کرد فز میثناسد (فرانس) دولت فرانسه شصت
 و پنج کرو و وجه نقد از فرار صد سه منفعت باستفراض میطلبد و در
 بکرو و زکرا بمطلب را اعلازمیکند و ولایت و چهل کرو پول نقد برای
 دولت حاضر میشود (انام) ننگن بواسطه امتداد سپه نلگراف بسا بر
 افطار عالم وصل میشود (ایطالیا) جمع بقصد قتل پادشاه ایطالیا راه
 اهینی را که پادشاه در آن بود میخواهند بواسطه دنیا ممت و هو امتلا شی
 کند و بقصد خود نایل نشد که فشا و میشوند

مارس ۱۸۸۴

فرانسلا قنوجات عساكر فرانس در وقتكن (مصر) جنك سخت
 ما بر عثمان دجه و عساكر انگليس در حوالی سواكن و مغلوب شدن
 عثمان دجه و لشكر بان او و منفرو شد ز انها (عثمانی) دولت عثمانی
 شكست نماید كه مملكت سودان را انگلیسها از دست او خارج ساختند

و قایم معظمه در خلاه مملکت ایران از روز نهم ربیع الثانی
 یثیر در ایام کربلا و بیست و یکم شهر جمادى الاو
 الاله هجره کربلا سنه ۱۲۰۱

شب چهارشنبه باز در هم جمادی الاو هفت ساعت و پنجاه و هفت دقیقه
 و چند ثانیه از شب گذشته مبارکی و مهمت افتاب جهان تاب از برج حو
 بحال تحویل کرد سلام تحویل در عمارت مبارکه موزه تشکیل یافت و روز پنجشنبه
 دو از هم سلام عام در تالار تخت مرمر منعقد گردید نواب اشرف و الا
 ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس و بزد و عراق و عربستان و لرستان
 و کرمانشاهان و کردستان و بروجرد و غیره اخصت معاودت بمقر
 حکومت یافتند و بیك قبضه شمشیر مرصع ممتاز سرافراز شده نقل مکان
 بحضرت عبدالعظیم فرمودند جناب ناصر الملك حکمران کرمانشاهان
 و کردستان بیکوب سرداری شمشیر مرصع مخلص و حاجی میرزا محسن خان
 سر نایب حاکم لرستان و بروجرد بر حسب اسناد عای نواب اشرف و الا

ظل السلطان بلیغ مظفر الملک ملقب شدند بندگان اعلیٰ حضرت ہمایون
 در حضرت عبدالعظیم نیز شاہنشاہ زادہ معظم را سرفراز فرمودند محض
 اتحاد و لشیر علی بن ابران و عثمانی بجهت اشخاص مفصلہ ذیل نشان از دولت
 عثمانی انقاد شد (امین السلطان وزیر دربار اعظم درجہ اول مجید بہ)
 (نجر الدولہ وزیر علوم و نلکراف و معادن درجہ اول مجید بہ) (صنہع الدولہ
 وزیر انطباعات و دارالترجمہ دولتی درجہ دوم عثمانی) (موبدالدولہ
 حکمراخبر درجہ اول مجید بہ) (مجدالدولہ امیر اخور درجہ دوم
 عثمانی) (امین حضور وزیر بقا پاد درجہ دوم مجید بہ) (وزیر صنایع
 درجہ دوم مجید بہ) (اجودان مخصوص درجہ دوم مجید بہ) (امین
 السلطنہ درجہ سیم عثمانی) (جعفر قلخان سر تپ و رئیس مدرسہ
 دولتی درجہ دوم عثمانی) (غلامحسین خان زین دارباشی درجہ
 سیم عثمانی) (امیر الملک درجہ سیم عثمانی) (محمد حسین خان ناظم
 مدرسہ دارالفنون درجہ سیم مجید بہ) (میرزا حسین مستوفی کلانی
 درجہ سیم مجید بہ) (میرزا علی محمد خان نایب اول وزارت انطباعات و
 ناظم کل دارالطباعتہ ممالک محروسہ درجہ چہارم مجید بہ) (مسپوشار
 صاحب منصب نلکرافی درجہ چہارم مجید بہ) (دکتر بکر درجہ چہارم مجید بہ)
 (مسپوشینہ دندان ساز درجہ چہارم مجید بہ)

میرزا مصطفی خان نایب اول وزارت خارجر رئیس کل تذکرہ دولت
 علیہ درجہ سیم عثمانی) (میرزا شکر اللہ نامہ نگار نایب دوم وزارت خارجر

درجه سیم مجید پسر) (میرزا نصرالله خان نایب دویم وزارت خارجه درجه
چهارم مجید پسر) (میرزا علیخان منشی اسرار درجه چهارم مجید پسر) (فیروزخان
اجودان اول وزارت خارجه درجه پنجم مجید پسر)

دکتر سپر ژوزف دیبسون از اطباءی حاذق و انگلیسی با عطاء یک قطعه
انقبه دان موشع بمنشال هماپون مکمل بالماس از طرف هماپون ملوکانه سرافرا
شد آتوش پیروان میرزا ضیاءالدوله بکرانی ولایت تبریز بمنان و دامغان منصوب
گردید کتاب پانولوزی طبعه ترجمه و تالیف میرزا ابوالحسن خان حکیمباشی
بطبوع و انتشار رسید روز بیستم جمادی الثانیه که عید ولادت حضرت
فاطمه زهرا سلام الله علیها بود نواب علیته عالیه منیر السلطنه والد نواب
منطاب و الانایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ بر رسم معمول سنوات
ماضیه جشنی کامل گرفت و اطعمه عام نمودند و فروندگشتی بنجار
یکی بزرگ جنگی با تمام اسلحه داد و لوازم حربیه بجهت مجرای عجم و دیگر
کوچکتر برای شط العرب بجهت حمل مباح و مسافرین توسط مخبر الدوله وزیر
و ناکراف و معادن بجهت دولت ابتیاع میشود حاجی میرزا محسن خان
معین الملک سفیر کبیر دولت علییه مقیم اسلامبول بر ثبت وزارت
دارالشوری نایب و میرزا محمد مسئوفی نظام از طرف نواب و الاطل السلطان
بگومت کردنستان مأمور و بلفظ اقبال الملک ملقب شدند میرزا
حبیب الله خان مسئوفی مخصوص نواب و الاطل السلطان ملقب برین
الملک گردید میرزا زین العابدین لشکر نولین بمنصب استیفای خاصه

و لقب مستوفی نظامی نایل شد اقامیرزا علی مستوفی حاضر و وزیر دارالشور
 ولد مرحوم قاسم مقام بلقب قاسم مقامی سرافراز و کنت دو منت فرست و سپس
 پلین و احشاب دار الخلافه باهره بر حسب اسناد عای نواب والا نایب
 السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ با عطای یک قطعه نشان از درجه دوم شیر
 و خورشید مرصع بجواهر میاها کرده بد کتاب ژولوژی که عبارت از علم
 طبقات الارض باشد از ترکی عثمانی بفارسی ترجمه و طبع و منتشر شد میرزا
 ابوالحسنان پسر مرحوم میرزا ابوالقاسم قاسم مقام بر حسب اسناد عای جنبان
 اجل افروز بر اعظم داخله بعضویت مجلس شورای کبری نایل شد و حدود
 کوکان از ریاجار ضعیف بیک شکم دوپیرود و در خزاورد روز سپرده هم
 رجب برای تبریک و تهنیت عبد مولود حضرت امیر المؤمنین علیه الصلو
 والسلام سلام عام در پیشگاه حضور هماپور شاهنشاهی منعقد شد
 و مراسم جشن بعمل آمد نواب عزالدوله عبد الضمد میرزا از طرف شخص
 هماپور بجهت تبریک ناجگناری اجل حضرت امیر اطور روس الکساندر سو
 رسامامور مسکو که موقع ناجگناری بود شده روز غره رجب روانه
 گردیدند و در معیت ایشان مصطفی قلیناز میر پیر بیست شخص دو نیم
 سفارت کبری و میرزا جواد خان نایب اول وزارت خارجه برسم مستسا
 و میرزا علیخان مترجم همترجمی و میرزا حسنخان منشی دوم وزارت خارجه
 بمنشی کبری مامور گردیدند مسپوکوسکی وزیر مختار دولت اطریش
 و مجارستان که مامور باقامت دربار دولت علی بود در عشر دوم

رجب وارد دارالخلافه ظهر از شد آقا رضا خان و نزال الجودان مخصوصاً ^{ظه}
 نشان بمثال همایون و مع کلن بالماس اختصاص یافت دکتر ابو طبیب چند
 از فرنگستان بدار الخلافه آمد مشغول طبابت و هم در دارالفنون مشغول
 تدویر است امیرزاده مؤیدالدوله حکمران و لایات خسر و ابیک قطعه
 نشان بمثال همایون و مع کلن بالماس سرافراز و میرزا هدایت الله پسر میرزا
 سید کاظم مستوفی دیوبند و امین صباستیفان از درجه سوم نایل ساختند
 مسوولین کوف و وزیر مختار و ایچی مخصوص دولت بهت روس مأمور باقامت
 دربار دولت علیّه سیم شعبان وارد دارالخلافه کردید مسوولین و وزیر
 مفیم و مؤسول جنرال دولت جمهوری انا تونی بیکه در بنا مأمور باقامت در
 دربار دولت علیّه ایران نیز سیم شعبان وارد شد و وزیر شنبه ششم
 شعبان المعظم موکب همایون شهر یاری غریب سفر سعادت اترخاسان و
 زیارت مشهد مقدس رضوی علی السلام را فرموده از دارالخلافه کشته
 فرمای دو شان شب شد شهاب الدوله مرتضی خان قاجار و حسین خان
 اعنضاد الملک بخطاب جلیب جنابی و وزالت و عضویت دارالشوکر نایل
 و شاهزاده حاجی بهت الدوله بریاست کل فثون از دریا بجان مأمور و غلام
 امین خلوت باسند عالی اقبال الدوله بریاست تفنگداران خاصه سرکار
 منصوب و میرزا عبدالوهاب خان لشکر نویسی پسر نظام الملک و وزیر
 لشکر ایشان و حاجی درجه اول سریندی مباحی و میرزا حسن منشی مخصوص
 وزارت اعظم داخل بر حسب اسناد عالی جناب افاضه منصب استیفان از درجه

سیم نابل گردید توابع عزالدوله ملعمه دینت و سفارت خودشان با کمال
شایستگی با انجام رسانده مراجعت کردند و از قرار تفصیل ذیل از طرف دولت
بهتر روس درباره ایشان و همراهانشان بدین نشان شد

(توابع عزالدوله نشان درجه اول سنت الکساندر و نوسکی مکمل بالماس)

(مصطفی قلی خان جهان بیگلو میرنجر نشان درجه اول سنتانا) (میرزا

جواد خان سرنپ و نایب اول وزارت خارجه نشان درجه دوم سنت

استانبول لاس سناره دار) (میرزا علیخان منرجم مخصوص دارالترجمه دولتی

نشان درجه دوم سنتانا) (میرزا حسنخان منشی نشان درجه سیم سنت

میرزا قنچان نشان درجه سیم سنت استانبول لاس)

میرزا فتحعلی خان پسر مرحوم مرتضی قلیخان وکیل الملک منصب پیشخدمت

حضور همایون سرافراز شد توابع دوک و دوشارت و لیر دوک دارلشان نو

لوی قلب پادشاه سابق فرانسه که از شاهزادگان بزرگ فرانسه است بعزم

سپاحت با بران آمد در عشاء آخر شعبان وارد دارالخلافه شد و از طرف رجالت

دولت پذیرائی غریب و سعی از معزیه الپ شده و فلکرامی بحضور همایون

شاهنشاهی که در این وقت تشریف فرمای چشمه علی دامغان بودند نمود

و جواب تبریک از جانب سزای جوانب معزیه الپ رسیده پس از دو سه روز

اقامت از طرف بند و جز و دو پای خرد مراجعت با رویا نمود کتاب مشکول که

ثالی کت کول است طبع و منتشر شد موکب همایون روز سلخ شعبان

تشریف فرمای ظاهر بسطام و هفتم رمضان وارد چمن کاپوش شده باز هم

بظاهر نردین و سپردهم مجازم و نوزدهم بچینورد و دهم شوال بظاهر
 فوجان و یازدهم بارض اقدس نزول اجلال و غره ذی القعدة غریب و جمعت
 بدار الخلافه فرموده بدست و یکم وارد شاهورد و پنجشنبه هشتم ذی الحجة
 الحرام بدار الخلافه الباهرة تشریف و رودار زانی فرمودند ولدی الورد
 سلام عام در حضور هماپون شرف انعقاد یافت نیز پادشاه محمد خان سهام الدوله
 ایلخان شاد لو حکمران بچینورد باعطای نشان و حاجبل امیر نومانی سرافراز
 و ذنرال کمارف سردار روس مضمین اخال کرد و بچینورد شرفیاب شد بود
 باعطای یکقطعه نشان تمثال هماپون نایل شد آقا ابراهیم خان امیر السلطان
 وزیر دربار اعظم و خزان و گریک و غیره که بواسطه نقاهت مزاج باورد و
 بزرگ از شاهورد از راه معمول روانه ارض اقدس شد بود شانزدهم
 رمضان داعی حق و البتک اجابت گفت لقب امیر السلطان با تمام مناصب
 و اشغال و اعمال انمرحوم همپروا علی اصغر خان امیر الملک و لدا انمرحوم مرحمت
 و تفویض شد و نعش انمرحوم در اسنان حضرت رضونیه مدفون گردید
 امیر حسین خان شجاع الدوله ایلخان زعفرانلو حکمران فوجان بمنصب امیر فوجان
 و خلعت خسروانی سرافراز شد همپروا زین العابدین خان طبیب حضور
 مبارک و نایب دکتر طولوزان حکیمباشی بلقب مؤمن الاطباء ملقب شد
 و در ارض اقدس نواب رکن الدوله حکمران بمملکت خراسان و سیستان
 بخلعت خاصه هماپونی نابل و حاجی مستشار الملک میرزا محمد رضای
 مستوفی وزیر مملکت خراسان بلقب مؤمن السلطنه ملقب و علماء و شایگان

صاحب منصبان و معارف و اعیان نیز هم مخلع شدند
 از دولت ژاپن یک قطعه نشان مطلع الشمس درجه اول بجهت امین الدوله
 مدبر دارالشوری و وزیر وظایف و اوقاف و غیره اعطا و ارسال گردید
 نظر بانجاد دولت علی بن ایران و روس چهار عراده توپ نیز بر فولادی که
 مخصوص سواره نظام است با تمام لوازم از آنجا حضرت امیراطور روس
 بجهت آنحضرت همایون صاحب فرانی اهدا فرمودند فتح الله خاں متخلص
 بشیانی بیکو تب جبّه نرمنه ایرانی مخلع شد میرزا محمود خان مسنوفی سنه
 نواده مرحوم قائم مقام بمنصب اسقفان درجه دوم نایل شد دارالترجمه
 خاصه دولتی مرکب از مترجمین السنه مختلفه خارجه و اجزای متعدد حسب
 الامرهایون بنوسط صنیع الدوله وزیر انطباعات و دارالترجمه دولتی دایره
 برقرار شد بیک قطعه نشان درجه دوم سناده دار فرانسوا ژوزف از دولت
 اطرش همپرا عبد الله خان سر تدبیر و مستشار وزارت خارجه اعطا شد
 در ششم صفر المظفر جشن مولودهای پورج کاملا گرفته شد سلام عهد
 در پیشگاه حضور مبارک تشکیل یافت نواب و الانایب السلطنه امیر کبیر
 وزیر جنگ و حکمران دارالخلافه الباهره و غیره با رسم سنوات ماضیه قیما
 بتدارک جشن نموده شب و روز عید ضیافت کامل کرده بیک حلقه
 انگشتری الماس گران بها از دستهایون نایل شدند
 منسپورا از شوک مناس مأمور برپاست مذهبی و امنه کائولیکی ازومینه
 بانام حضرت پاپ محضوره هایون شرفیاب شد امین الخضره بیک قطعه